

با تحولات شکل گرفته در این منطقه و انتخاب یک سرخپوست به نام «اوو مورالس» به عنوان رئیس جمهور بولیوی و نیز روحیه خودباوری و ضدامپریالیستی بومیان این منطقه، اکنون یک سرخپوست خوب، سرخپوستی زنده با شعارهای ضد آمریکایی است

سرخپوست مرده است!»، با تحولات شکل گرفته در این منطقه و انتخاب یک سرخپوست به نام «اوو مورالس» به عنوان رئیس جمهور بولیوی و نیز روحیه خودباوری و ضدامپریالیستی بومیان این منطقه، اکنون یک سرخپوست خوب، سرخپوستی زنده با شعارهای ضد آمریکایی است.

اکنون، مورالس رئیس جمهور سرخپوست چپگرا به یکی از کابوس های واشنگتن تبدیل شده است؛ با اوج گرفتن محبوبیت چپ ها کماکان ستاره اقبال بوش در حال افول است. مورالس می گوید: «امروز در بولیوی و آمریکای لاتین دیگر این ملت ها نیستند که علیه امپریالیسم سلاح به دست گرفته اند بلکه این امپریالیسم است که با مداخله نظامی مانند گذشته به رویارویی مسلحانه با ملت ها برخاسته است.»

بازگشت مردی از جنس مردم

در نیکاراگوئه نیز وضعیت آمریکا کمتر از بولیوی، و ونزوئلا، کوبا، اکوادور و دیگران نیست چرا که اکنون «دانیل اورتگا» کمر به حل مشکلات داخلی این کشور ۵ میلیون نفری با اتکا به اقتصاد ایران و دوری از سیاست های بانک جهانی و آمریکا بسته است.

اورتگا همچون سالیان گذشته آستین های پیراهن سفیدرنگش را بالا می زند و از مقامات استقبال می کند، خودش پشت فرمان اتومبیل تشریفات می نشیند و ملاقات های رسمی را همچون سفر احمدی نژاد در محلات فقیرنشین برگزار می کند و پس از امتناع در ورود به کاخ ریاست جمهوری، حقوق خود را از ۸ هزار دلار به ۲ هزار دلار کاهش داده است. او نیز مردی از جنس مردم است.

اورتگا در نخستین سفر خارجی خود قول داد که برای وحدت آمریکای مرکزی تلاش کند و همچنین اظهار داشت که کشورش به مشارکت های جدید تجاری با کشورهایی فراتر از کشورهای همسایه دارد. او گفته بود اگر متحد نشویم، غرق خواهیم شد پس باید برای اتحاد آمریکای مرکزی، حوزه کارائیب و آمریکای جنوبی تلاش کنیم، این وقتی شکل می گیرد که «اتحاد آمریکای مرکزی» را بسازیم.

وی در میان مردم کشورش نیز چنین می گوید: «مبارزه برای صلح و کار و آشتی را خداوند برای امکان پیشبرد مبارزات به ما داده است. امپراتوری جدیدی از علامت برپا خواهد شد. نیکاراگوئه به جلو خواهد رفت و اقتصادی همبسته و انقلابی معنوی شکل خواهد گرفت.»

مسیح انقلابی به جای مارکس

ایالات متحده آمریکا بار دیگر به جنگ با ملت نیکاراگوئه رفته است اما این بار نه با اسلحه های نظامی و حضور شبه نظامیان بلکه این بار می خواهد با اعطای کمک های مزورانه اعم از دادن تراکتور، راه اندازی کلینیک های درمانی و تأمین برق و انرژی ملت مستعبد این کشور را در یوغ استعماری خود نگه دارد. اما بوش اکنون چند مشکل بزرگ بر سر راه



سنگین تر از پیروزی فیدل

روزگاری بزرگترین دغدغه آمریکایی ها حضور فیدل کاسترو در رأس حکومت کوبا بود. پیروزی کاسترو و تلخ ترین تجربه برای ایالات متحده در دوران جنگ سرد به شمار می آمد. آمریکا سالهاست کوبا را تحت تحریم های مختلف اقتصادی، اجتماعی قرار داده و حتی از تردد آزادانه مهاجران کوبایی به کشورشان جلوگیری می کند و به کوبایی هایی که در آمریکا زندگی می کنند فقط یک بار اجازه می دهد برای دیدن خانواده های خود به کوبا برگردند. برای این که فضای کوبا به سایر مناطق قاره آمریکا سرایت نکند. اما امروز نه تنها کوبایی ها که همه ملت های آمریکای لاتین به خوبی پی برده اند آورده های بانک جهانی و آمریکا جز فقر، تجزیه، محرومیت، بدبختی و وابستگی هرچه بیشتر به سیاست های نئولیبرالی آمریکا نتیجه ای در بر نخواهد داشت.

این موارد از جمله دلایل بسیار روشن گرایش و تحولات آمریکای لاتین و رویکرد ضد امپریالیستی مردم این منطقه است و نمود آن در انتخابات اخیر کشورهایی چون ونزوئلا، شیلی، اکوادور، نیکاراگوئه، بولیوی و غیره کاملاً بارز و نشان دهنده شکست مطلق سیاست های آمریکا در این منطقه است.

مردم این کشورها به خوبی دریافته اند که تنها راه حل مشکلات، فقر و بیکاری حفظ استقلال و تمامیت ارضی و وحدت است، بنابراین مردم، مهمترین نقش ها را در این تحولات اخیر به عهده دارند. در این میان، آمریکا بیماری و بستری شدن کاسترو را یک چندی در بوق و کرنا کرد و سعی داشت مانورهای روانی ویژه ای بر روی مردم این منطقه به

اجرا درآورد. آمریکا گمان می کند مرگ کاسترو پایان این کابوس هولناک یعنی شکست در آمریکای لاتین و شکارگاه سابق اوست. اما کاسترو در همان ایام بیماری، مقابل دوربین تلویزیون حاضر شد و رو در روی ملت های آمریکای لاتین گفت: «احتمالی که در کاخ سفید تصمیم می گیرند امیدوارند انقلاب کوبا ۱۵ دقیقه پس از مرگ من شکست بخورد اما نمی دانند که این کشور هزاران رهبر دارد.»

دولت ونزوئلا اکنون پس از کوبا دومین کشوری است که به شدت مخالف امپریالیسم است. چاوز تاکنون در هشت انتخابات کاملاً دموکراتیک که بعضاً تحت نظر ناظران بین المللی از جمله «کارت» رئیس جمهور اسبق آمریکا برگزار شده از سوی مردم کشورش مهر تأیید گرفته است.

او همواره سیاست های کشورش را دوشادوش کوبا در مقابله با آمریکا به کار گرفته است و البته ارتباطات بسیار نزدیکی با بولیوی، برزیل، آرژانتین و دیگر کشورهای آمریکایی دارد که در موضوعاتی چون اقتصاد و همکاری های کارکردگرایانه این نزدیکی نمود بیشتری می یابد.

یکی از مهم ترین راه های مبارزاتی کشورهای این منطقه علیه هژمونی ایالات متحده آمریکا، ایجاد نوعی ائتلاف کارکردی برپایه همکاری های مداوم، مستقل و بدون ملاحظه دیگران در جنوب است.

سرخپوست خوب با فریاد ضد امپریالیستی پس از کشتارهای وحشیانه و به دور از انسانیت سرخپوستان قاره آمریکا به دست مستعززان سفیدپوست و اعلام شعار «سرخپوست خوب،